

«انور عشقی»، ژنرال جنجال ساز سعودی، از مواضع خود می گوید

بین اسرائیل و عربستان هدف مشترکی وجود ندارد



هدف این‌ طرح تأسیس یک دولت فلسطینی شناخته‌شده در سطح بین‌المللی و در مرزهای ۱۹۴۷ است. طبق این طرح، باید آوارگان برگردند و اسرائیل از تبه‌های جولان عقب‌نشینی کند. درمقابل کشورهای عربی نیز اسرائیل را به رسمیت خواهند شناخت. این طرح در گذشته بر خلاف الان فرصتی برای اجرا نداشت. امروزه این‌ طرح صلح چارچوبی برای همه پیشنهادات صلح است. بعد از شکست سایر ابتکارها، این طرح فرصت تازه‌ای پیدا کرده است. ما شاهدیم که مصر، فرانسه و دیگر کشورها طرح‌هایی را دادند اما به نتیجه نرسید.

فرصت‌ها و شرایطی واقعی برای این‌ طرح وجود دارد که خودش را بر وضعیت داخلی اسرائیل هم تحمیل می‌کند. حدود ۷۵ درصد از اسرائیلی‌ها طرفدار صلح هستند. احزاب مخالف نخست‌وزیر نتانیاو برهمین‌اساس به او فشار می‌آورند. جهان عرب نیز درگیر بحران‌ها و تحولاتی است که نیازمند صلح است. نزاع بین اعراب و اسرائیل، دلیل اصلی این بحران‌هاست. (انور عشقی در حضور «دوری گلند» در جریان کنفرانسی که شورای روابط خارجی آمریکا ترتیب داده بود، درباره نقشه‌راهی متشکل از هفت مرحله سیاسی صحبت کردند؛ صلح بین اعراب و اسرائیل، وحدت شورای همکاری، تحقق صلح در یمن، احیای بندر آزاد عدن، تأسیس یک نیروی عربی اروپایی و آمریکایی مشترک برای حمایت از کشورهای خلیج‌فارس و حفظ ثبات در این منطقه، تسریع در اجرای قواعد دموکراتیک با اصول اسلامی در جهان عرب و کار جدی برای ایجاد یک کردستان به روش‌های مسالمت‌آمیز.

« شما از طرف چه کسی به این دیدار رفته بودید؟
(پاسخ روشنی نمی‌دهد).
ملک‌عبدالعزیز می‌گفت هر سعودی یک سفیر برای کشورش است، من هم به دنبال اجرای نظرات و دیدگاه‌های شخصی خودم یا برداشت‌هایم از سیاست کشورم هستم. (البته او رد نمی‌کند که دولت عربستان هزینه چنین سفری را تأمین کرده باشد یا به او برای انجام چنین سفری چراغ‌سبز نشان داده باشد).

« درباره واکنش‌ها به این دیدار چه می‌گویید؟

(برای پاسخ به این سؤال انور عشقی جمله‌ای را از شکسپیر نویسنده انگلیسی بیان می‌کند). ما طعمه‌ای از دروغ می‌گذاریم تا به وسیله آن ماهی حقیقت را شکار کنیم. آنچه عیساوی گفته، نظر شخصی خودش بوده است. این روشی است که برخی از رسانه‌های اسرائیل برای دروغ‌پردازی در پیش می‌گیرند. در بین اعضای کنتس اعراب مسلمان هم هستند که هرسال به عنوان حاجی به کشور ما می‌آیند. این مسئله جدیدی نیست.

«میرتس» اسرائیل، که به همراه سه نماینده دیگر از چپ‌گرایان اسرائیل با عشقی ملاقات کردند و از طرح صلح عربی حمایت می‌کنند به دنبال زمینه‌سازی برای سفر این نمایندگان به عربستان سعودی هستند.

« طرح «صلح عربی» اکنون در چه مرحله‌ای است؟

مرکز ما مطالعه‌ای را درباره امکان اجراشدن این طرح ترتیب داد. فلسطینی‌های بسیاری با این امر موافقت کردند. از آن طرف هم اسرائیلی‌های زیادی با اجرای این طرح موافقت کردند. طرح صلح عربی جلو بلندپروازی‌های اسرائیل را گرفت. هرچه اسرائیل بعد از آن انجام داد به لحاظ بین‌المللی غیرقانونی است، زیرا این طرح بر قطع‌نامه‌های سازمان ملل متحد بنا شده و عقب‌نشینی از کرانه باختری امری است که اسرائیل دیر یا زود باید بپذیرد. شهرک‌های اسرائیلی هم باید به مهاجران فلسطینی واگذار شود. اگر اسرائیل نخواهد مرزهایش را با صلح حفظ کند، درواقع با موجودیت خودش ریسک کرده است.

« آیا عربستان حاضر به عادی‌سازی روابط با اسرائیل است؟

همان‌طور که ملک‌عبدالله گفته بود، اگر اسرائیل با طرح صلح عربی موافقت کرده و آن را اجرا کند، عربستان می‌تواند روابطش را با اسرائیل عادی کرده و حقوق فلسطینی‌ها را به خودشان برگرداند با وجود اینکه الان هم عربستان می‌گوید اگر نتانیاو طرح صلح را بپذیرد، کشورهای عربی را تشویق خواهد کرد. اما به نظر من موافقت نتانیاو کافی نیست ولی افاق‌هایی را باز می‌کند. البته اعتقاد ندارم عربستان نباید دولت‌های عرب را به عادی‌سازی تشویق کند، بلکه باید دولت‌های عربی را تشویق کند کمک کند که این طرح اجرا شود.

« آیا صلح با اسرائیل برای ریاض منفعت استراتژیک است؟
صلح با اسرائیل منفعتی استراتژیک برای کل امت عرب است، زیرا از امنیت ملی اعراب حمایت می‌کند. طبعاً عربستان سعودی هم در این جرکه قرار می‌گیرد، زیرا کسانی هستند که سال‌هاست با خون فلسطینی‌ها تجارت می‌کنند. برای چه به حماس اسلحه می‌دهند؟ ما به آنها پول می‌دهیم تا زندگی کند اما دیگران به آنها سلاح می‌دهند تا بچکنند.

« یک‌بار از شما پرسیدند چه زمانی سفارت عربستان در اسرائیل باز می‌شود. گفتید پاسخ نزد نتانیاو‌هست و اگر اسرائیل اعلام کند طرح صلح عربی را می‌پذیرد، عربستان سفارتش را در تل آویو باز خواهد کرد؟
همچنان پیشنهاد سعودی سر جای خودش هست. هرچند ما از فضای اسرائیل خسته شده‌ایم اما این کار را انجام خواهیم داد البته ریاض به حرف‌ها و وعده‌ها اعتنایی ندارد، بلکه فقط بر واقعیت‌ها تکیه می‌کند.

« آیا نقشه‌راهی وجود دارد که عربستان و اسرائیل با یکدیگر همکاری کنند؟
عربستان تنها کشوری است که در برابر اسرائیل ایستاده و آن را به رسمیت نمی‌شناسد. تاکنون با هیچ‌یک از مقامات رسمی این رژیم دست نداده است.

« آیا نقشه‌راهی وجود دارد که عربستان و اسرائیل با یکدیگر همکاری کنند؟

عربستان تنها کشوری است که در برابر اسرائیل ایستاده و آن را به رسمیت نمی‌شناسد. تاکنون با هیچ‌یک از مقامات رسمی این رژیم دست نداده است.

جهان

نگاره

آیا روسیه به جنگ اوکراین می‌رود؟

در تصاویری که در کانال‌های تلویزیون دولتی روسیه پخش شد، مردانی بودند که به طرح نقشه برای اجرای حمله‌هایی در این شبه‌جزیره که در سال ۲۰۱۴ ضمیمه روسیه شد، اعتراف کردند.
مظنونان به خراب‌کاری به بازجویان خود می‌گویند از دولت اوکراین دستور گرفته بودند. اوکراین هرگونه دخالتی را رد می‌کند و می‌گوید این اقدامی تحریک‌آمیز است. ساکنان محلی گفتند در یک شب صدای تیراندازی شنیدند؛ این همان زمانی بوده که سرویس امنیت فدرال روسیه می‌گوید اولین گروه از این مظنونان را بازداشت کرده است.
اما در گزارش‌های این سازمان به حمله دومی به کریمه هم اشاره شده که با «آتش سنگین از کشور همسایه و خودروهای زرهی نیروهای نظامی اوکراین» همراه بوده است.

تابه‌حال هیچ تصویری از این حمله دوم منتشر نشده و هیچ مرجع مستقلی هم آن را تأیید نکرده و درنتیجه هنوز مشخص نیست دقیقاً چه اتفاقی افتاده است. اما مسئله مهم‌تر تحولات و اتفاقات آینده است چون این حادثه تنش‌ها میان مسکو و کی‌یف را تا حد خطرناکی افزایش داده است.
آیا روسیه که می‌گوید نقشه این اقدام در کی‌یف طراحی شده، قصد دارد آن را با اقدام نظامی تلافی کند؟ ولادیمیر پوتین وعده داده که «چنین چیزهایی را نادیده نخواهد گرفت» تا در چنین وضعی، انتقال سامانه زمین‌به‌هوا ی اس-۴۰۰ به کریمه می‌تواند برای گرفتن زهرچشم باشد. درعین‌حال، وزارت دفاع روسیه اعلام کرده در این شبه‌جزیره رزمایش نظامی برگزار خواهد شد.
همه اینها نشان می‌دهند روسیه قصد دارد از منطقه‌ای که دو سال پیش به خاک کی‌یف و غرب محکوم شد، دفاع کند. برخی می‌گویند شواهدی هست که نشان می‌دهد روسیه دارد برای حمله آماده می‌شود. به ادعای آنها، زمان کاملاً مناسب است: آمریکا درگیر انتخابات و اتحادیه اروپا درگیر خروج بریتانیا از این اتحادیه است و بازی‌های المپیک هم حواس همه را پرت کرده است.
ولسی خیلی‌ها در مسکو زیر بار نمی‌روند. آندره کرتونوف، عضو شورای روابط بین‌الملل روسیه، در پاسخ به این ادعاها می‌گوید: هیچ چیز غیرممکن نیست. اما من فکر نمی‌کنم چنین اقدامی با تحرکات تاکتیکی اخیر که از طرف مسکو مشاهده کرده‌ایم، سازگار باشد.

شرایط فعلی «تنش‌زدایی کوچک» در روابط با غرب است و می‌گوید علائمی وجود دارد که مسکو می‌خواهد به تحریم‌هایی که غرب به خاطر کریمه اعمال کرده پایان دهد، نه اینکه باعث افزایش تنش‌ها شود. پاپین‌ماندن قیمت نفت فشاری مضاعف در این راستاست. آندره کلسنیکوف، عضو مرکز «کارنگی» در مسکو، بر این عقیده است که «الان وقت یک جنگ واقعی نیست چون وضع اقتصاد واقعاً بد است. اینها فقط حرف است، حتی اگر محکم باشند. او می‌گوید: پوتین باید جای پایش را در جامعه محکم کند. اهمیت یک جنگ کوچک، یا یک درگیری لفظی، در همین است. فضای ملتهب همیشه باعث افزایش محبوبیت پوتین می‌شود – حالا می‌خواهد کشمشک تجاری غراب باشد، یا اقتضاج دویینگ ورزشکاران یا مناقشه‌ای واقعی مثل جنگ سوریه. اما چنین صحنه‌سازی خطرناکی – یا پاسخی چنین محکم به هر اتفاقی که واقعاً افتاده – برای فقط چند رای، اقدامی افراطی به نظر می‌رسد. در قدم بعدی باید پرسید آیا واکنش روسیه به روند صلح اوکراین مربوط است؟ آندره کرتونوف می‌گوید: روسیه می‌خواهد مناطق (تحت تسلط شورشیان طرفدارش) به عنوان عاملی بازدارنده در نظام سیاسی اوکراین ادغام شده شوند. هدف این است از پیوستن اوکراین به ناتو یا دوری بیش از حد این کشور از روسیه جلوگیری شود و البته شکی نیست این مسئله از ابتدا موضوع اصلی بحران اوکراین بوده است. مناقشه اخیر فقط فصلی جدید در روند غیر قابل پیش‌بینی تنش‌هاست.»

منبع:ایسنا

زاویه

اتحادیه اروپا؛ امپریالیستی یا پست‌امپریالیستی

شهرام زر‌نادر

از سال ۱۹۱۵ که «ولادیمیر لنین» کتاب امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری را نوشت، بیش از صد سال می‌گذرد. در این سال‌ها و به طور مشخص از سال ۱۹۰۰ میلادی که جهان در آستانه ظهور امپریالیسم قرار گرفت، جهان ما از همه نظر تغییر کرده است.

جنگ‌های خانمان‌سوز جهانی اول و دوم منجر به تغییر موازنه قدرت در سراسر جهان شد. پیروزی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در نبرد علیه نازیسم و ایش سوم و امپریالیسم آلمان، سهم بسزایی در این تغییر موازنه داشته است.

در سال‌های دهه ۵۰-۱۹۴۰، بریتانیا قدرت و نفوذ خود را در مستعمرات سابقش از دست داد و جای او را آمریکا به مثابه رأس امپریالیسم جهانی از آن خود کرد. بازسازی اروپا پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا را به مثابه بزرگ‌ترین قدرت سرمایه‌داری جهان در عرصه سیاست و اقتصاد جهانی مطرح کرد. در سال ۱۹۵۳، سازمان سیا با طراحی کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت ملی دکتر مصدق اولین کودتای خود را در جهان به ثمر رساند. کودتاهای نظامی در آمریکای لاتین و سرکوب جنبش‌های رهایی‌بخش در سراسر جهان از سوی آمریکا و مبارزات انقلابی و رهایی‌بخش از سوی مردم جهان در آمریکای لاتین، جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه، شرایطی را بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا تحمیل کرد که ثبات سیاسی و اقتصادی کشورهای تحت سلطه امپریالیسم را بر هم زد. تولید انبوه کالاهای مصرفی در کشورهای متروپل (امپریالیستی) و صدور سرمایه به کشورهای نیمه‌پیرامون و پیرامون، غارت مواد اولیه ارزان و استثمار افسارگسیخته نیروی کار ارزان در کشورهای پیرامونی و سرکوب طبقاتی در کشورهای عقب‌نگاه‌داشته‌شده، باعث پیدایش جنبش‌های رهایی‌بخش در کشورهای پیرامونی و عقب نگاه‌داشته‌شده در سراسر جهان شد. جنگ ویتنام به مثابه آخرین جنگ مستقیم امپریالیسم علیه جنبش رهایی‌بخش مردم ویتنام، تمدن B-52 را با شکستی راهبردی مواجه کرد که به خاطر آن استراتژی آمریکا در مواجهه با کشورهای تحت سلطه تغییر کرد. دولت جیمی کارتر با شعار دفاع از حقوق بشر، آغازگر نگاهی جدید به جهان از سوی آمریکا بود.

همین سبب‌ها باعث شد در شرایط دفاع‌نکردن آمریکا از کودتاجیان در آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا، جنبش‌های رهایی‌بخش در این قاره‌ها قدرت سیاسی را با انقلاب از آن خود کنند. در دهه ۱۹۷۰ به بعد فرایند ساماندهی وحدت اروپا به نقطه عطف خود رسیده بود و انقلاب در تکنولوژی ارتباطات و سایر فناوری‌ها، از جمله بیوتکنولوژی باعث طلیعه نگاهی جدید به نظام انرژی در جهان شد. انقلاب در تکنولوژی ارتباطات هر پنج سال یک‌بار باعث تغییر ساخت اقتصادی - سیاسی در جهان سرمایه‌داری شد. امپریالیست‌ها در اثر ازمان‌رفتن تولید انبوه، پیدایش تولید سفارشی، تغییر ماهیت نظام آموزشی، از نظام آموزشی مدارس عمومی که شاگردان را برای کارت‌زدن از هشت صبح تا چهار بعدازظهر در کارخانه‌ها آماده می‌کرد، به نظام آموزشی مبتنی بر آموزش با استفاده از انفورماتیک، به‌غایت‌ترسیدن جهانی‌شدن، ادغام چندین نیروهای کار و سرمایه در سراسر جهان و پیدایش اتحادیه‌های سیاسی- اقتصادی در اروپا تا دورترین مرزهای شرق آسیا، نفتا و گروه ریو در آمریکای لاتین، همه‌وهمه باعث تغییر نگاه کشورهای امپریالیستی به نگاهی پست‌امپریالیستی به جهان شد. در اتحادیه اروپا که کلید آن در سال ۱۹۵۷ در اجلاس رم زده شده، احزاب چپ وابسته به انترناسیونال دوم و سوم توانستند با استفاده از پارلماناریسم به قدرت سیاسی برسند. در دومین‌حال به دلیل همین تغییر وضعیت در ماهیت نظام جهانی، شوریی دیگر نیازی به حضور خود در جهان سیاست به عنوان یک اردوگاه ضدامپریالیستی نمی‌دید و دست‌به‌کار خشتی‌کردن آتوی امپریالیسم برای آغازکردن جنگ جهانی سوم شد. گورباچف در دیداری که به عنوان صدر هیأت‌رئیسه اتحادیه شوروی از سوئد به عمل آورد، اعلام کرد سوسیالیسم واقعی در سوئد به ثمر نرفته است. جوزف استینگلیتز، رئیس هیأت اقتصاددانان دولت کلتینون و معاون سابق بانک جهانی، کسی که برای تز و تئوری اقتصاد انفورماتیک جایزه نوبل اقتصاد را از آن خود کرده، نیز در کتابش با نام «جهانی‌شدن و ناخرسندی‌هایش» می‌گوید جهان آینده باید براساس الگوی سیاسی- اقتصادی و فرهنگی- اجتماعی سوئد طراحی شود. باید توجه داشت حزب کمونیست شوروی (روسیه کنونی)، احزاب سوسیالیست و سوسیال‌دموکرات روسیه هنوز هم در دوما دست بالا را دارند. بدیهی بود در فرایند جهانی‌شدن، نیروهای چپ در سراسر جهان نیز به سوی یکپارچگی و اتحاد همه‌جانبه پیش خواهند رفت. آخرین جنگی که در جهان معاصر پس از خاتمه‌افتن دوران امپریالیسم و آغاز دوران پست‌امپریالیسم به سایر و اکنون دوران پاساسایر رخ داده، حمله نیروهای متفقین به عراق بود که کاریکاتوری از یک جنگ در سطوح جهانی را به رخ می‌کشید. جنگ دیگر از نظر اقتصادی، توجیه‌پذیر نیست و باید توجه داشت به واسطه انقلاب در تکنولوژی ارتباطات، مردم جهان به‌سرعت درباره مسئله جنگ و صلح از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند. جنگ دیگر اقتصادی نیست و همین دخالت نظامی ناتو در عراق و افغانستان میلاردها دلار هزینه بر دوش کشورهای بزرگ سرمایه‌داری (امپریالیست‌های سابق) گذاشته است.

مردم جهان دیگر حاضر نیستند فرزندان خود را به جنگ بفرستند. نیروهای صلح جهانی امروزه دارای چنان قدرت و نفوذی در جهان هستند که دیگر کسی نمی‌تواند حتی به خاطر لولوی کمونیسم در جهان ما جنگ به راه بیندازد. در سال‌های دهه ۱۹۶۰، نیروهای چپ معتقد بودند احزاب چپ سوسیالیست و اروکمونیست در اروپا احزاب سرمایه‌داری ملی هستند و نمی‌توانند جدا از امپریالیسم و سلطه‌ای که بر اقتصاد اروپا دارد، عمل کنند. در دوران پست‌امپریالیسم و پاساسایر کنونی در اتحادیه اروپا، نیروهای سیاسی چپ کارگری با گرفتن سکان هدایت سیاسی و اقتصادی دیگر امپریالیسم را نمایندگی نمی‌کنند. دولت مدرن در اتحادیه اروپا جای دولت‌های امپریالیستی را گرفته و کارگران و زحمتکشان جهان در همسویی با این اتحادیه، امید به آینده‌ای پیروزمند دارند. اتحادیه اروپا دیگر امپریالیستی نیست، بلکه پست‌امپریالیستی است. اگرچه آنچه در دوران امپریالیسم برجای مانده همانا وجود کشورهای متروپل، نیمه‌پیرامون و پیرامونی است، ولی این طبقه‌بندی در اثر رشد اقتصاد جهانی و سهمی که کشورهای درحال‌توسعه از آن دارند و همچنین وجود الگوهای رشد اقتصادی پساامپریالیستی، نظیر رشد اقتصادی چین، در فرایندی تاریخی منجر به پیدایش فورماسیون سوسیالیسم عینی و سلطه پساامپریالیستی خواهد شد.

«هدیه یوسف»، رئیس مشترک فدرالیسم دموکراتیک کردستان سوریه، با اشاره

به سیستم مدیترتی در این منطقه به «شرق» گفت: در سیستم فدرالیسم دموکراتیک مردم به عنوان سنگ بنای جامعه، فقط رای‌دهنده‌ای صرف نیستند، بلکه آنها حضوری جدی در وضع قوانین دارند و با ایجاد مجالس محلات و مجالس نظارت بر قوانین، تبدیل به تصمیم‌گیرندگان اصلی حیات سیاسی و اجتماعی خود می‌شوند که این تیلور واقعی دموکراسی مستقیم است.

او دموکراسی را برآمده از اراده انسان‌ها جدا از جمعیت اکثریت و اقلیت دانست و توضیح داد: همواره دموکراسی اکثریت در بیشتر نقاط دنیا و به‌ویژه در خاورمیانه بدون فهم واقعی اصول آزادی جمعیت اقلیت، منجر به

نابده‌دگرفته‌شدن حقوق گروه‌های اتنیکی و مذهبی می‌شود. بنابراین ما باید

بنوایتم سیستم و قوانینی تهیه کنیم که درک حقوق همگان به‌صورت واقعی میسر شود. یوسف در پاسخ به این سؤال «شرق» که قوانین این منطقه تهیه شده یا چه زمانی تهیه می‌شود، اذعان کرد: ما از سال ۲۰۱۱ سیستم خودمدیریتی موسوم به کانتون را اعلام کردیم و از همان زمان قوانینی موقتی را در این منطقه به اجرا درآوردیم. پس از آن با تشکیل مجلس مؤسس قانون‌گذاری و اعلام سیستم فدرالیسم دموکراتیک در ماه مارس سال گذشته، مراحل وضع و نهایی‌کردن قانون اساسی و به رای گذاشتن این قوانین را آغاز کردیم. او درباره زمان برگزاری referendum اساسی این منطقه توضیح داد:

افشین غلامی

دموکراسی مورد نظر ما، دموکراسی مستقیم است

رئیس مشترک فدرالیسم کردستان سوریه در گفت‌وگو با «شرق»: